# پرچم

عمر فیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره هفتم سال دوم دو شنبه ۱۵ ثور ۴۸–۵ می ۶۹، شما ره مسلسل ۵۹


پښتو متن :

## په کابل کې د مې د لومړۍ ورځې

### دجشن د تظاهراتو فیصله لیك

په کابل کښې دمې لومړۍ ورځ، دکار گرو دطبقې د قهرمانانه او ځلانده مبارزو دغه خاطره اوشاندارجشن دخلك ددموكراتيك جريان تر پرچم لاندې په ډير شور او ځوګ ونمانځل شو .

دکابل ښار په دغې له ویاړه ډکې ورځې کې دبې ساری او لــه هیجان نه ډك نهضت مظهر و .

ستری مظاهری ، له پر چمو نواونارو سره ، دکارگرو، ځوا نو محصلا نو ، دپوهنې دشا گردا نو، دښاريانو او کسب گرو او متر قي روشنفكرانو له ناو دو او آتشينوفريادو نو سره دخلك ددموكراتيك جريان په لار ښوونه او دکار گرو دطبقې له افتخار ډك اوالهام ښونكي پرچم لاندې بر پا شولی .

ددغو سترو مظاهرو په پای کې چه په زر گو نو ځوانانو او نجونو او زيار ايستونكو په کې گډون کړی وو وروسته تر هغه

(۲ مخ)

متن دری :

## قطعنامه تظاهرات جشن اول می

### روز همبستگی کار گران جهان در کابل

روز اول ماه مى ، اين جشن شكوهمند وخاطرهٔ درخشان مظاهرات قهرمانانه طبقهٔ كارگر ، پيشاهنگان پيكار جوى و عصر آفرين جريان درنگ ناپذير تاريخ ، در زير پرچم ظفر نمون جريان دموكراتيك خلق افغانستان باجلال وغريو لرزانندهٔ ئى درمر كز كشور مانجليل وبرگزارشد.

درين روز پر افتخار ، شهر كابل مظهر جنبش بينظير وپرهيجانى بود. تظاهرات عظيم باموجى از پرچم هاوشعارها و فرياد هاى گرم وآتشين كارگران ، جوانان محصل ، شاگردان معارف ، اصناف و اهالى شهر و روشنفكران مترقى كه برهبرى جريان پيشتاز دموكراتيك خلق افغانستان ودرتحت پرچم گلگون و پر افتخار طبقهٔ دورانساز كارگر صورت گرفت، الهامبخش آرزو هاى بزرگ ودرخشانى براى به پيروزى رسانيدن جنبش آزاديبخش ملى و اجتماعى توده هاى ستمديده خلق افغانستان بشمار ميرود .

كارگران قهرمان در پايان اين روز بزرگ تاريخى ، روز همبستگى

(ص۲)

# تشکیل جبهه ائتلافی

## برای مبارزهٔ انتخاباتی وظیفهٔ مبرم و فوری ملی ماست!

در حال حاضر وظیفه مبرم وفوری ملی تمام افراد ، محافل ، گروه ها، سازمانها ونیروهای ملی ودموکراتیك ترقیخواه ووطنپرست عبارتست ازتشکیل جبههٔ ائتلافی برای مبارزهٔ انتخاباتی دوره سیزدهم شوری ، برای بسیج کردن مردم افغانستان به خاطر شرکت در انتخابات، برای تضعیف جبهه نا مقدس طبقات ارتجاعی حاکم وخنثی سا ختن دسایس وتوطئه‌های محافل ارتجاعی وشبکه های فتنه گر خارجی در جریان مبارزه ا نتخابا تی .

اشتباه بزرگ خواهد بود هرگاه یکی از افراد ، محافل ، گروه ها ، سازمانها ونیروهای ملی ودموکراتیك تر قیخواه وطنپرست بغلط دشمن عمده را در وضع کنونی بنابر خود خواهی ها واختلافات درونی و بلند پروازی های شخصی ویا سازمانی و تحریك دشمنان داخلی وخارجی ملت افغانستان از میان خود تعیین نمایند وهمدیگر خودرا در جریان مبارزه انتخاباتی خنثی سازند و درنتیجه باعث پیروزی محافل ارتجاعی در انتخابات شوری گردند .

تا جائیکه به جریان دموکراتیك خلق افغانستان مربوط است ، با شجاعت وصراحت وصداقت کامل آماد گی خود را برای هر گونه مفاهمه رفیقانه، صمیمانه و دوستانه وگذشتهای لازم اصولی در باره چگونگی شرکت در مبارزه انتخاباتی ، در باره شکل و خصوصیت جبهه ائتلافی ، در باره عمل مشترك ، پلتفرم مشترك و مبارزه مشترك علیه دشمن مشترك، در باره تقسیم درست وثمر بخش حوزه های انتخاباتی اعلام میدارد .

هر چه دیر نشده‌است بایدجرگه های مشورتی خودرا مطابق به سنن عالیه ملی کشور تشکیل داد .

در غیر آن عواقب ناشی ازپراگندگی ونفاق میان عناصر واقعاً ملی و دموکراتیك ، ترقیخواه ووطنپرست بعهده نفاق افگنان وفتنه گرانی خواهد بود که خلق و ملت افغانستان آنرا عفو نخواهد کرد و جریان دموکراتیك خلق افغانستان مطابق به اوضاع واحوال و پالیسی جاری انتخاباتی خود شجاعانه به پیش خواهد رفت .

(ج.د.خ.ا.)

دستگیر پنجشیری

# بادشنام و ناسزا نمیتوان

## حقایق را تحریف کرد

درشمارهٔ ۸ تاریخی ۷ ثور ۱۳۴۸ جریدهٔ «پیام وجدان» مضمون بدون امضائی تحت عنوان «توضیح مختصر برنشریهٔ تاریخی اول ثور ۱۳۴۸ پرچم» انتشار یافته که در آن نویسندهٔ مقاله مذبوحانه تلاش کرده است که ضمن یك سلسله دشنامها واتهامات بی پایه ، حقایق وواقعیات را تحریف کند وقلب ماهیت دهد و دست به سندسازی زند .

مادربی آن نیستیم و نمیخواهیم که بادشنامها وناسزاگوئیها مقابله نمائیم ؛ زیرا اصول واخلاق مترقی چنین اجازه ایرا بما نمیدهد . ولی ازآنجا که متاسفانه موضوع برما تحمیل گردیده است ، اصولاناگزیریم که برای رفع سوء تفاهم ، باد رنظر داشتن اوضاع واحوال کنونی ، بسیار به اختصار وبا ملاحظه، چند نکتهٔ قابل توجه آنرا رد کنیم .

درمورد این ادعای بی پایهٔ مندرج درمضمون «توضیح مختصر...» که «اختلافات بین نور محمد تره کی و ببرك ازآنجا شروع میشود که ببرك نمیخواست جریدهٔ خلق نشر شود وتره کی میخواست که نشر شود » باید به قطعیت تمام گفت : هرگاه نویسنده «توضیح مختصر ...» واقعاً به رهبری **دسته جمعی طبق اصول زرین مر کزیت دمو کرا تیک** معتقد و بجهان بینی علمی وایدئولوژی مترقی وفادار باشد ، اعتراف خواهد کرد که جریان دموکراتیك خلق افغانستان در اثر تصمیم **دسته جمعی** توانست جریدهٔ خلق ناشر افکار دموکراتیك خلق – را انتشار دهد .

باز هم میتوان گفت که اگر شاغلی نویسنده «توضیح مختصر ...» تصمیم **دسته جمعی واصل مرکزیت دموکراتیك** را مدار اعتبار میداند و بدان اندکترین اعتنائی دارد ، **ما اکثریت قاطع تصمیم گیرندگان** در مسالهٔ نشر جریدهٔ خلق ، بیهراس اظهار میداریم و شاهد زنده ایم که ببرك (کارمل) از حامیان سر سخت ومدافعان پرشور نشر اخبار سرتا سری افغانستان ، خاصه جریدهٔ خلق بوده اند .

حقیقت مساله رامبارزات فرکسیون

(ص۲)

# تظاهرات عظیم و شکوهمند در تحت پرچم ظفر آفرین جریان

## دموکراتیک خلق افغانستان بمناسبت اول ماه می

روز (۱۱) ثور بابرگزاری مراسم جشن اول می ، روز همبستگی کارگران جهان ، شهر کابل شاهد تظاهرات پرشکوه ، متینگهای با عظمت ، شعارها وبیانیه های پرشور کارگران آگاه ، روشنفکران ، محصلان و متعلمان مترقی (پسران ودختران) واصناف واهالی وطنپرست شهر و سایر نیروهای ملی ومترقی کشور به استقبال این روز فرخنده بود .

در حدود ساعت هشت قبل از ظهر روز مذکور موجهای خروشانی از تظاهر کنندگان با پرچمهای گلگون ، شعارهای رنگین و فریاد– های لرزاننده از پوهنتون وانستیتوت پولیتخنیك کابل ، مراکز تعلیمات عالی ، لیسه‌ها و ښوونځی‌های مرکز به پیشاهنگی کارگران آگاه دلیر و باشعور بجاده‌های کابل سرازیر گردید و سرانجام به استثنای یکی دو موج کوچك ، دیگر تمام موجهای آن بهم پیوست و سیل عظیمی ازهزاران نفر را تحت پرچم ظفر نمون جریان دموکراتیك خلق افغانستان تشکیل داد .

غریو این سیل خروشان درفضای شهر پیچید وبعد از پیمودن جاده های مرکزی شهر وایجاد متینگهای پرجلال درنقاط پرجمعیت ، مقارن ساعت ۶ شام درمیان فریاد های گرم و آتشین وابراز احساسات جوانان مبارز با صدور قطعنامه ئی ازطرف نمایندگان شجاع ورزمندهٔ طبقه‌دورانساز کارگر ، با هلهله و کف‌زدنهای ممتدوپرشور ، باحرارت وهیجان انگیز تظاهر کنندگان پایان یافت .

درجریان تظاهرات تابلوی شکوهمند سمبول ارادهٔ کارگر که در زیر درشت جلب نظر میکرد ، بدوش آن جملهٔ «کارگر زنجیر شکن» بخط جوانان پیشتاز و در تحت پرچم مبارز دموکراتیك خلق افغانستان ، این نیروی پیشاهنگ طبقهٔ کارگر کشور شکوه وجلال وصف ناپذیری داشت و همچنان شعار ها و پلا– کارتهائی بوسیلهٔ تظاهر کنندگان حمل میشد که به عظمت مظاهرات می‌افزود ودر آنها شعار های زیرین بچشم میخورد :

— درودگرم به طبقهٔ کارگر افغانستان !
— پیاوړی دی وی دافغانستان دکارگری طبقې یووالی !
— فرخنده باد جشن اول ماه می روز همبستگی کارگران جهان !
— مستحکم باد اتحاد وهمبستگی رزمندگان آزا دی خواه بخاطر استقلال ، دموکراسی ، آزادی و ترقی !
— مردم آزادی ، نان ، لباس ، منزل ، دوا وسواد میخواهند !
— سرنگون باد فئودالیزم !
— مرده باد استبداد ، ارتجاع وستم ملی !
— سرنگون باد امپریالیزم دشمن عمده خلقها !
— درود پرشور بر خلق قهرمان ویتنام ! مرگ بر امپریالیزم !
— پیروز باد مبارزهٔ خلقهای عرب ! نفرین برتجاوزکاران اسرائیل!
— روز اول می ، روز جشن کارگران جهان باید در افغانستان برسمیت شناخته شود !
— کارگران بیکار ، کارمیخواهند!
— زندانی کارگران دی خوشی شی !
— اتحادیه‌های کارگری باید تشکیل شود !
— کارگران کار اوبزگران ځمکې غواړی !

(ص۳)



سه صحنه ازمظاهرات ومتینگهای جریان دموکراتیك خلق افغانستان بمناسبت روز اول می درشهر کابل

بارق شفیعی

# شانتاژ و سند سازی یا گانگستریزم سیاسی

شانتاژ یابلك میل (تهدید) ، اصطلاحیست حقوقی که یکی ازجنایات بسیار جدی بشمار میرود . شانتاژ درلسان عادی و معمول عبارت است ازبدست آوردن پول ویادیگر منافع پلید از طریق تهدید به افشای معلومات غیر اخلاقی و غلط ، ارائه اسناد جعلی ویا افشاکننده علیه مقام معنوی شخص موردنظر، یاتهدید اشخاص به ازبین بردن جان ، مال وحیثیت شان از طریق اعمال تشدد.

درجهان غرب مخصوصاً امریکا گانگستر ها و جنایتکاران حرفوی اهداف غارتگرانهٔ شانرا بوسیلهٔ شانتاژ (تهدید) بدست می‌آورند .

این اصطلاح خارج از قلمرو حقوقی ، در مبارزات سیاسی نیز مورد استعمال واستفاده قرارمیگیرد. مبارزان تیپ گانگسترها ، سازمان–های جاسوسی سی آی ، ای و دارو دسته‌های سیاسی وابسته به آنها نیز اهداف ومقاصد سیاسی شانرا از طریق شانتاژ و تهدید به‌وسایل پست و همچنان تهدید نیرو های مخالف وعناصر ترقیخواه وطنپرست، منجمله بوسیلهٔ ارائهٔ «اسناد» واسناد سازی تعقیب می‌نمایند .

درکشور مانیز شانتاژ سیاسی ازطرف شبکه های جاسوسی امپر– یالیستی وارتجاع داخلی سابقه طولانی دارد و صدها تن از جوانان وطنپرست و زحمتکشان کشور بااینوسیله قربان شده‌اند . بنابرآن تعجبی ندارد که درین اواخر باز این شیوه در کشور ما بشکل بیشرمانه‌ئی شدت گرفته است وهستند دارو دسته هائی که بنا بر خصلت خویش ، در برابر عناصر ملی وترقیخواه وطنپرست، درپهلوی بکار بردن دهنها وسیلهٔ پست و ناجوانمردانهٔ دیگر ، ازسلاح خیانت – کارانهٔ شانتاژ نیز بکمال وقاحت وبدیده درائی استفاده مینمایند .

دسته های به اصطلاح «مترقی» وخلقی نماهای دروغین وخودساخته پیوسته تهدید میکنند وادعامینمایند که اگر بمقاصد ناپاك سیاسی و خواستهای غیر اصولی آنها تن‌داده نشود ، اگر فلان یا بهمان شخص باساس دستور ایشان به «عقب نرود»، اگر جریان دموکراتیك خلق افغانستان ازنام ونشان خودنگذرد وبالاخره هر گاه در برابر همه هتا کیها ، فحش و ناسزا گوئیهای آنها مهر سکوت برلب زده نشود ، آنها « اسناد دارند!» ، آنها «اسنادخواهند کشید!» ودهها مطلب دیگر . اکنون دیگر کار بجا ئی کشیده که سند سازی و سند کشی ودهها افشاگری خائنانه دیگر به شیوه گانگسترهای امریکائی برضد شخصیتهای مخالف سیاسی و عناصر صدیق وپاکدامن ملی و مترقی سلاح « ارجمند » گانگستر های سیاسی ماگردیده است . آنها در تلاش برای بدست آوردن مقاصد سیاسی شان پابند هیچ اصول و هیچ قاعده اخلاقی مترقی نیستند . آنها برای حصول مقاصد وهدفهای سیاسی خویش به شیوه ماکیاولی از استعمال هیچگونه وسیلهٔ پست و پلید رونمی گردانند.

آنها بیش ازهرچیز دیگر پراگما تیست وکاریکاتور اپورتونیستها هستند. آنها با این شیوهٔ غیر اصولی مبارزهٔ خویش بهترین وسیلهٔ برای پیشبرد اغراض ناپاك ارتجاع و سازمانهای جاسوسی امپریالیزم بین‌المللی در بین نهضت دموکراتیك و ملی‌کشور می‌باشند. تو سط همین تیپ عناصرو گروههای سیاسی است که تفرقه وانشعاب در بین جنبشهای ملی و دموکراتیك مترقی جهان و کشورما عمیق‌تر ووسیعتر شده می‌رود واین درست خواست ارتجاع و امپریالیزم جهانیست . توسط همین عناصر است که سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و ارتجاع داخلی باستفاده‌های سوء از دستاورد های ساینس و تکنالوژی معاصر اسناد

(ص۳)


# پرچم

د افغانستان د خلک د موکراتیک افکارو خپرونکی

۱۵ ثور ۱۳۴۸


# بالاخره بعد از ده سال و ده ماه و ۲۸ روز ، ریاست جمهوری

## جنرال دوگول سقوط کرد

ریفراندم در فرانسه بروی پلان– های مطروحهٔ جنرال دوگول طوریکه پیش بینی می‌شد ، باشکست جنرال دوگول پایان یافت . روزنامهٔ اومانته چاپ پاریس مینویسد : سر انجام دوگول شکست خورد واین شکست درس دیگریست برای دکتاتوریهای فردی ، عدم رضایت مردم ومخصوصاً طبقهٔ زحمت کش فرانسه که توأم با اعتصابات ومبارزات عامل عمدهٔ این تغییر در رژیم بود . در ریفر– اندم اخیر حوزه های کارگری به– مخالفت دوگول رأی‌دادند . سیاست فردی دوگول زندگی کارگران راتنگ وتنگ‌تر کرده ، دموکراسی فرانسه را محدود تر می ساخت واین امرهم باعث ازبین رفتن وی‌شد . دراعلامیه دفتر سیاسی حزب کمونست فرانسه گفته میشود : «این واقعهٔ مهم ، یك گام عمده در راه ازبین بردن قدرت استبدادی و تعویض آن بیك دمو– کراسی بیشرفته سیاسی واقتصادی میباشد ، که راه را برای سوسیا– لیزم باز میکند . برای مردمیکه در راه بوجود آوردن یك جهت گیری سیاسی درست مبارزه میکنند ، ایجاد اتحاد کارگران و نیرو های دموکراتیك بحیث تهداب لازمی بغرض متحد ساختن تمام نیروهای ملی امری‌ضروریست . برای‌برآورده شدن این منظور حزب کمونست فرانسه بمساعی خود در راه طرح یك پروگرام مشترك که تمام احزاب جناح چپ و سازمانهای بزرگ اتحادیه های کارگری را بخاطر استقرار یك سیستم کاملا جدید باهم متحد سازد و جوابگوی نیازمندیهای طبقهٔ کارگر وتمام بخش های خلق کارگر ومطابق به منافع ملی فرانسه باشد ادامه خواهد داد .»

کنفدراسیون عمومی کار طی اعلامیه‌ئی میگوید : «مخالفت جدی وعمیق کارگران باعث سقوط دوگول شد ، کارگران از سیاست اجتماعی واقتصادی دوگول شدیداً متضرر شدند . زحمتکشان فرانسه نه‌تنها خواهان استعفای دوگول بودند ، بلکه خواهان اصلاحات اساسی در کشور نیز میباشند .

کنفدراسیون عمومی کار ترقی اجتماعی وتعمیم دموکراسی را در فرانسه خواهانست . فدراسیون عمومی کار فرانسه حاضر است با احزاب وجمعیت های مترقی در یك جبهه متحد ملی مبا رزه کند .

فعالیت احزاب سیاسی درفرانسه برای کاندیدنامزدهای ریاست جمهوری ادامه دارد . حزب کمونست فرانسه از حزب سوسیالست فرانسه تقاضا کرد تاهر دوحزب پروگرام مشترکی را برای مبارزات خود طرح کنند و در راه بوجود آوردن حکومت مترقی درفرانسه همکاری نمایند . ولی (گی‌مولی) این پیشنهاد را رد کرد.

# توطئه دیگر امپریالیزم

## درشرق میانه

حکومت ایران قرار دادسر حدی سال ۱۹۳۷ مربوط به حق کشتی رانی در شط العرب را به طور یك جانبه لغو نمود و این امرباعث شد که‌از یکطرف منا سبات ایران باکشور های عربی بیش از پیش خرا بتر گردد واز جانب دیگر بحران شر ق میانه ساحه های وسیع تری را دربر گیرد .

دلیلیکه حکومت ایران برای تو جیه این اقدام یك جانبه‌خودارائه می دارد اینست که قرارداد مذکور دردوران تسلط استعما ر بر ایران تحمیل گردیده است ، عراق ادعای ملکیت شط‌العرب را می‌نماید، عبور کشتی– های‌ایرانی راتهدیدمی‌کند و قروض حق العبور خود را نمی پردازد .

ما جنبه های حقوقی قرار داد ۱۹۳۷ بین عراق و ایران را از نظر حقوق بین الدول وفصل مربوط به معاهدات سر حدی در صورت لزوم در وقت دیگری مورد بحث قرار خواهیم داد . آنچه در اوضاع‌واحوال کنونی بیشتر کسب اهمیت‌می‌نماید، پهلو های سیاسی موضوع میباشد .

در زمانیکه کشور های عر بی، بخصوص جمهو ریت متحد عرب ، سوریه ، اردن و عراق و دیگرکشور– های مترقی‌و ضد استعماری در مبارزه مرگ و زندگی با امپریالیزم وصهیونیت مصروف اند و بقایای استعمار وآثار تجاوز سال ۱۹۶۷ اسرائیل بفوت خود باقیست ، در زمانیکه امپریالیزم به همکاری صهیو نیزم وار تجاع‌عرب‌موجودیت دولتهای مترقی و ضد استعما ری را در سوریه ، جمهوریت متحدعرب و عراق پیوسته تهدید می نماید و صلح جهانی از این نا حیه شدیداً در معرض خطر قرار گرفته است،همچو اقدامائیکه اتحاد وهمبستگی بین کشور های این منطقه را برهم می–زند ،مایه نگرانی وباعث تشویش‌ما میباشد .

خلق‌برادرما، ایران‌که بر اسا س قرار داد های واقعاً استعماری و اسارت آور به عضویت در بلو کها و دسته بند های نظامی وسیاسی در آورده شده اند وماده حیاتی ملت ایران یعنی نفت آنرا کنسر سیوم نفت به یغما می بـرد ، انحصارات نفتی‌وغولهای‌انحصارات امپریالستی در تاروپود حیات اقتصادی آن‌ریشه دوانیده است ، برای نجات خو د از این وضع وبیروزی در نبرد علیه تسلط نظامی و اقتصادی امپر یالیزم وتعقیب راه رشد مستقل اقتصاد ی و سیاسی بیش از هر وقت دیگربه اتحاد وهمبستگی ، نزدیکی‌و دوستی با کشور های همجوار صلحدوست خود وکلیه نیرو های مترقی و ضد استعماری جهان نیاز مند میباشد . منافع تمام ملتهای شرق میانه ،وامر صلح ایجاب می نماید که‌در شرایط کنونی هر نوع عملیکه اتحاد بین خلقهای برادر این ناحیه جهان را خدشه دار می‌سازد ، به نفع‌هیچکس جز امپریا لیزم ونیرو ها ی ارتجاع بین‌ا لمللی نمی باشد. مادر حالیکه پشتیبانی وهمبستگی کامل خودرا از مبارزات مردمان عرب علیه امپریالیزم وصهیونیزم اعلان می– نمائیم ، ازکلیه‌نیرو های ضدارتجاع وامپریا لیزم، از تمام‌نیروهای صلح– دوست و عدالت پسند و مترقی جهان وبخصوص کشور های ایـن ناحیه تقاضامی نما ئیم که برا ی جلو گیری از عملی شدن توطئه های امپریالیزم در شرق میانه ، به‌منظور حفظ صلح وسلام این منطقه وجهان در یك‌صف واحد ضد ارتجاع وضد امپریالیزم بین المللی قرار گیرند و از هر نوع اختلافیکه جبهه مبارزه برضد امپریالیزم وارتجاع را ضعیف می سازد ، خود داری کنند .

# بخشی از نامه‌های الهامبخش کارگران

## آگاه کشور بمناسبت روز اول می

**با فرا رسیدن اول ماه می – روزجشن همبستگی کار گران جها نونشر شعار های جریان دموکراتیك خلق افغانستان ، این نیروی پیشاهنگ طبقهٔ کارگر جوان کشور بمناسبت این روز فرخنده ، تعدادی از کار گران مبارز وپیشدار باستقبال از اینروز احساسات وطنپرستانه خویش را طی مقالات ونامه هائی به اداره پرچم فرستاده‌اند. درحالیکه احساسات شریفانه این کار گران آگاه ومبارز کشور مورد تقدیر وستایش ماست و آنرامظهر بیداری شعور طبقاتی کارگران پیشاهنگ کشور میدانیم ، بر خی ازقسمتهای بعضی ازین نامه ها رادر اینجا انعکاس میدهیم .**

عده ئی از کار گران رز مندهٔ فابریکه نساجی پلخمری به نمایندگی از کار گران نساجی کشور در پیامی بمناسبت(اول‌می) می نویسند :

« بمنا سبت جشن بیـن المللی کارگران ، درود های گرم خـود را بتمام کار گران‌وآنانیکه سال‌گذشته بخاطر مطالبات کارگران ، شغل وکار شانرا از دست دادند و یا– زندانی شدند میفرستیم .

نفرین بر دشمنان خلق، دشمنان آزادی وبرادری !

سلامهای گرم برآن‌گروه کارگران نساجی پلخمری وگلبهار که در راه شکستن سکوت مرگبار درفابریکات ما ، خـود را بمخاطره انداختند وزنجیر ها ی پا رینه را با مبا رزات دلیرانهٔ خود شکستند !

ما یکبار دیگر همبستگی ، ارادت وبرادری خودرا به پیشگاه تمام کارگران و طن عزیز ، خا صهٔ کار– گرانیکه بخا طر زندگی ما بیکار شدند ویابه زندانها رفتند، تقد یم میکنیم .

هنوز عهد ها پا برجاست !هنوز ما زنده ایم ! هنوز وطن مارا در آغوش خود دارد ! هنوز با مبارزه استیم وبا آن خوا هیم بود !

درود و تهنیت بر (می)، برمی زنجیر شکن وبیام آور آزادی !

* * *

کارگر رزمجو (**یحی رزمی**) طی مقاله مفصل خویش بمناسبت روز اول ماه (می ) می نویسد :

« اول ماه می روز همبستگی کارگران جهان را ما نیز باید با– شکوه و عظمت خاص برگزار نمائیم. ما کارگرا ن که تمام نعمات ما دی جامعه را میآفرینیم ومحروم تر ین طبقه ئی از جا معه هستیم ، حق داریم که این روز را رسماً با شکو– همندی وجلال بر پای داریم واز خواستهای خویش دفاع نمائیم .

بر ماست که در چنین روز های خاص یکبار دیگر ضرورت اتحاد خویش را برای انجام مبارزه‌مشترك هرچه نیرومند ترتذکاردهیم .آخر مگر نه آنست که درد های مامشترك وخواستهای ما مشترك است وهمه به یك زنجیر بسته ایم ؟!»

* * *

کار گر آگاه (م،م،) خطاب به رفقای کار گر خود مینگارد :

« رفقای‌کارگر! بیائیدمانیز مانند دیگر رزمند گان تاریخ پر افتخا ر بشریت مترقی بخا طر نجات‌خویش وخلق وطن بر ارج خود دلیرانه مبارزه کنیم .

رفقای کارگر ! آینده از آن ماست ونیروی خلاقی در ما نهفته است ، بایستی از آن در راه رهائی خویش که بمعنی نجات تمام خلق است ، استفاده نمائیم .

رفقای کار گر ! و ظیفهٔ فو ری ماست که برای ایجاد اتحادیه ها ی کار گر ی‌مجدانه بکوشیم ودر برابر سرمایه داران وکار فرما یان کـه رفقای کارگر ما را از کار اخراج مینمایند ، مقا ومت نشان دهیم .

رفقای کارگر ! پیرو زی وغلبه بردشمن طبقاتی ما دراتحادماست.»

* * *

کارگر جوان (**ا. نیکوکار**) ضمن تشریح تاریخچه روز بین المللی کار گران و دعوت کار گران کشور به اتحاد و همبستگی مینویسد :

« در تاریخ مبارزات قهر مانانه ستم کشان بر علیه ستمگرا ن صحنه های شور انگیز وروز های با شکوه وافتخار آمیزی وجوددارد.

روز اول مـی – روز همبستگی بین‌المللی کار گرا ن، یکی‌ازین روز های فر خنده است .

به‌پاس گرامی داشتن خاطرهٔ این روز از رفقای کار گر خودتقا ضا– مینمایم که دست اتحاد ویگانگی را بخا طر ایفای پیروز مند ا نـهٔ نقش رزمندگی و پیشآ هنگی در نهضت نجات بخش ملی واجتماعی خلق کشور ، بهم دهند .

متیقینم که در تحت پرچم اتحاد وهمبستگی ، ما کار گران میتوانیم با نبرد ظفر مندانهٔ خویش لحظات پیروزی را نزدیکتر سازیم .

— بر افراشته باد پرچم مبارزهٔ خلق‌کارگر کشور !
— درود آتشین به خلق قهرما ن ویتنام !
— درود گرم به خلقهای آزا دی دوست عرب !»

* * *

پیاوړی کار گر **محراب** د بلخ له ولایت نه دیو مفصلی مضمون په ترڅ کې د«کارگران باید یو مو ټی او وښیار وی » تر عنوان لاندی لیکی :

«دیرو سږ کال دمې د لومړۍ نیټې نه را په دیخوا دټول افغانستان په کار گرانو کې یو شور او شوق را پیدا شو . په حقیقت کې دکارگرانو دبین المللی ورځې په مناسبت‌دپرچم دتیر کال بې سارې اعلامیې اودعوت دافغانستان‌کار گران هغه ستر مسؤولیت ته متو جه کړ لچه په تاریخی لحاظ دوی ته ور په غا ړ ه دی .

دکار گرانو پرو سږ نیو اعتصا بونو ، مظاهرو اومار شو نو دا واقعیت وښود چه افغانی کار گر ډیر ضرورت اوخپله طبقه‌پیژندلی ده او دطبقاتی مبار زی دشرو ع اوسرته رسو لو لپاره بنه لیا قت لری .

دادی اوس چه دپر چم دخلك ددمو کراتیك افکارو خپرونکی لـه لومړنی اعلامیی نه یو کال‌تیرین ی او دادی دمې دلومړی ورځې پـه مناسبت دافغانستان ددموکرا تیك خلق جریان خپله دو همه مبار کی خبروی ، زه غواړم خپلو کار گرو وروڼو ته ددی ستری ورځی پـه لمانځنه کی دا تریخ اعتراف وکړم چه موږ لاتر اوسه هم دمبارزی لـه فن سره نه یو آشنا شوی او باید آشناشو . مو ږ انقلابیان او ماجرا جویان ندی سره بیل کړی او باید سره‌بیل یی کړو . مو ږ اتحاد یه‌او تشکیل نکړو اوباید ویی لرو .موږ خپل شرایط ، دجامعی شرایط او د جهان شرایط لاندی پیژندلی او باید ویی پیژنو .

باید دوطن ټول کار گران‌یوموټی او وښیار وی . په همدی هیله او د برې په ایمان ټولو کارگرو وروڼو ته دکار گرو دبین المللی ورځې په مناسبت مبارکی وایم او دپرچم لوړوالی او کا میابی غواړم . تل دی وی وطن او ژوندی دی وی خلك .

# دلشکر گاه دلیسی د متعلمینو

## او متعلماتو اعتصاب

دحمل په ۳۱ نیټه د لشکر گا ه دلیسی‌معلمینو‌اومتعلماتو، دلشکرگاه دښوونی اوروزنی دلوی‌مدیر‌په ضد په اعتصاب لاس پوری کړ . و یل کیږی چه نوموړی لوی مدیر د خپلو خپلوانو په مرسته چه په لیسه کی یې لری په قبیلو ی توگه د لیسی تدریسی مدیر بخپله اداره کې بنه کلك وواهه .

دشاگردانو اعتصاب سباته‌دسهاړ په(۷) بجو دلیسی په چا پیر یا ل کی ، دتدریسی مدیر په تائید او د عمومی مدیر په ضد شروع شو . د هماغی‌ورځی په (۹) بجو متعلمین او متعلمات دتدریسی مدیر کورته‌ورغلل او هغه یی له خپلـه کـــوره بیرته ښوونځی ته راوست . خبر وایی چه دلښکر گاه حکومتی کسانو د مدیر دبیر ته راوستو اوپخلاکولو مطا لبه چه دشاگردانو له خوا شوی وه ، ومنله او مدیر بیرته په خپل ر سمی کار پیل کړیدی .

دشاگردانو اعتصاب د ورځی په ۹٫۵ بجو دجذابو وبناگانو‌ورروسته پای ته ورسید او شا گردان خپلو ټولگیو ته لاړل .

شاگردانو د اعتصاب په ترڅ کی دا شعارونه ورکړل :

— تل دی وی اتحاد :
— مرده باد تو طئه گران علیه وطنپرستان !
— مړه دی وی د(سی.آی‌ای) نوکران !
— نا بود دی وی استبداد !
— محوباد ستم و استعما ر!
— مړه دی وی تفرقه اچونکی !
— محو دی وی تفوق غوښتونکی!
— بریالی دی وی وطن پالونکی !

دشاگردانو د غوښتنو لیك متن : « تفرقه اچول ، خلك یوله بل نه بیلول او دخپلوی او وطنداری په اساس چلیدل ، اساسا یو ناوړه‌کار او دوخیمو عواقبو لرونکی دی .

باید دخلکو تر مینځ داتحاد او یووالی مزی ټینگ کړو ،جنبه با زی او یوازی خپل قوم تقویه‌کول اودبل ذلیلول ، باید له ریښی څخه لـه مینځه یوسو او دوی پر ځای دغم شریکی ، وروړ ولی او همدردی کړی سره کلکې کړو . مگر با یدبه ډاگه وویل شی چه دښوونی اوروزنی لوی مدیر دا اصول تر پښو لاندی کړی او په بله لاره روان دی .

دلیسی تدریسی مدیر چه‌یوبادرده او د حق بین انسان دی او خپل‌وظایف یی په پاکی او صداقت اجراکړیدی دلوی مدیر او دهغه دډلو دسیسی له خوا په رسمی وخت ، رسمی اداره کی په ډیره بیرحمانه توگه د ځا نی کټو او شخصی غرضونو‌لپاره‌ووهل شو . نو څکه موږ (دلښکر گاه د لیسی نجونو او هلکان) په کلکـه دښوونی او روزنی د لوی‌مدیر‌داعمل غندو او دده وجود په لیسه کـی بیلزومه بولو .

په نتیجه کښی‌زمونږ‌جدی‌غوښتنه داده چه باید لوی مدیر له ښوونځی څخه لیری شی .

بل داچه ښاغلی تدریسی مد یر خپلی واظیفی ته حاضر او د پخوا په شان خپل کار وکړی .

مونږ دلشکرگاه‌دلیسی‌زده‌کوونکی له صلاحیتداره مقام څخه هیله لر و چه زمونږ یوزنیو غوښتنو ته ژر تر ژره اهمیت ځواب ورکړه‌شی ! وکنه موږ به خپل اعتصاب ته په قانونی توگه ادامه ورکړو . »

# تجلیل روز اول می

## درولایات ومراکز صنعتی کشور

**جشن اول‌می ، روز همبستگی کارگران جهان که مصادف به (۱۱) ثور ۱۳۴۸ بود، درننگرهار، کندهار، پروان ، کاپیسا وغیره ولایات و شهرها ومرا کزصنعتی کشور بامراسم شانداری تجلیل گردید که تفصیل آن بعد از حصول راپورهای‌مربوط ، درآینده تقدیم میشود .**


**پرچم**

**ناشر اندیشه های دمو کراتیك‌خلق افغانستان**

**هره دوشنبه‌خپریږی**

**دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان لایق**

**آدرس : زرلښت مارکیت – محمدجانخان واټ، کابل –افغانستان**

**تیلفون : ۲۳۱۶۴**

**داشتراك بیه**

**په‌کابل کښی دکال: ۱۲۵ – افغانی**

**په ولایاتو او پښتونستان کښی دکال : ۱۴۰ «**

**په باندنیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر دجاری حساب نمبر به پښتنی‌تجارتی بانك کښی ۳۸۵۳**

**دیوی گڼی بیه : ۲٫۵۰ – افغانی**

**مطبعه دولتی**


# اعتصاب شاگردان دارالمعلمین

## هرات

شاگردان دارالمعلمین هرات ازتاریخ ۱۹ حمل دست به اعتصاب زده‌اند . خواستهای عمدهٔ شاگردان‌را مطالب آتی تشکیل میدهد :

— ارتقای دارالمعلمین اساسی‌به دارالمعلمین عالی ؛
— تشکیل صنف یازدهم مستعجل‌برای فارغان صنف دهم ؛
— تکمیل کمبود معلم و سا مان‌ولوازم درسی ؛
— اجازهٔ دایرکردن کنفرانسهای‌علمی واجتماعی ونمایش درامه های انتقادی ؛
— اصلاح وضع داخلی مکتب وتنظیم پروگرامهای سیر علمی برای شاگردان ؛
— بهبود شرایط زندگی درلیلیه‌وشرایط تدریسی .

سلطان علی کشتمند

# پیشنهاد فروش آهن خام حاجی گگ
## به پاکستان، یعنی چه

درین اواخر در مطبوعات دولتی وبرخی از نشرات ظاهراً غیردولتی راجع به احداث موسسات صنعتی کوچك وسرمایه‌گذاری‌های خصوصی تبلیغاتی صورت میگیرد و مطالبی تلقینی نشر میگردد ، به این مفهوم که برای افغانستان تنها صنایع کوچك متکی به مواد خام زراعتی مفید وممکن است وبس . درین نشرات پیشنهاد های تشویق‌آمیزی برای حکومت دربارهٔ جلوگیری از ایجاد موسسات‌بزرگ تولیدی ، عدم استفاده از مواد معدنی در داخل کشور ودر عوض فروش آن بطور خام در کشور های دیگر ، با پیش کشیدن دلایل بسیار سطحی ، غیر معقول ، بی پایه وضد منافع ملی، ارائه می‌گردد . از آنجاییکه ممکن است ماهیت واقعی چنین نظرات وپیشنهادها برای هموطنان ماکاملا روشن نباشد ، مابرین موضوع مختصراً روشنی می اندازیم .

هموطنان ارجمند ما مطلع اند که پس از تکمیل پلان پنجسالهٔ دوم ، درحین‌تدوین به اصطلاح پلان پنجسالهٔ سوم‌ازطرف‌حکومت وقت، یك‌سلسله نظرات ابتکاری (!) طرح گردیدمبنی بر اینکه افغانستان «زیر بنای» اقتصادی جامعه را تکمیل کرده ویا به‌پیشرفتهای بزرگی(!) درینخصوص نایل آمده است ؛ بنابرآن ضرورت به بذل توجه بیشتر و عمیقتر درین زمینه دیده نمیشود ، بلکه باید در عوض «پروژه های کوچك سریع ـ الثمر اقتصادی» اعم از صنعتی و زراعتی احداث گردد . براساس این «تئوری» اقتصادی خود ساخته و غیرعملی ، اقتصاد دانان بنام (!) و بلند گویان طبقهٔ حاکمه جاروجنجال زیادی رابراه انداختند و جهت تقویت این نظریهٔ بکر وخلاق (!) دلایل زیادی تراشیدند و منجمله اینکه یگانه عامل تمایل انفلاسیونی درجامعهٔما احداث پروژه های بزرگ ساختمانی و تولیدی واستخدام بالنسبهٔ وسیعتر میباشد . ایشان راه خروج ازینوضع را جلوگیری از پیشرفت در امر ساختمان بنیانی جامعه وعدم استخدام‌تجویزفرمودند.

تصادفی نیست که چنین نظرات وپیشنهاد ها از طرف بلند گویان هیأت حاکمه افغانستان که خودرا پیرو نظرات اقتصاد دانان بورژوازی میشمرند ، ارائه‌میگردد ، زیرا اصلا مسألهٔ صنعتی ساختن کشور های کم‌رشد درمیان‌دانشمندان‌بورژوازی، رهبران سیاسی دول سرمایه داری ومطبوعات غربی طرفداری ندارد ، بلکه بعکس در اسناد رسمی وتعداد بیشماری از مقالات در مطبوعات غربی بآسانی میتوان مشاهده کرد که چگونه‌برای‌بی‌اعتبارساختن‌نظرات وپیشنهادهای مربوط به صنعتی ساختن این کشورها ، مذبوحانه تلاش میگردد . اقتصاد دانان غربی سخت میکوشند برای موجه جلوه دادن تقسیم کار جهانی سرمایه‌داری مبنای تئوریکی دست وپا نمایند تا براساس آن کشور های کم رشد آسیائی ، افریقائی و امریکای لاتین عمدتاً بحیث صادر کنندهٔ مواد خام برای کشورهای سرمایه داری باقی بمانند ویا بعضاً مواد معدنـی را استخراج کرده وبصورت خام بـه کشورهای مزبور در برابـر امـوال ساخته شده بفروشند . هدف تمام این تلاشها برپایهٔ هرگونه استدلالی که‌قرارداده شود ، معلوم است وآن جلوگیری از رشد صنعتی‌این‌کشورـ ها و به تعویق انداختن پروسـه صنعتی شدن آنها میباشد .

ضرورت به اثبات ندارد کـه پیشرفت یك کشور بستگی به‌تولید مادی دارد وتولید ثروتهای‌مادیست که نقش تعیین کننده را درسرتاسر تاریخ بشریت در امر تکامل جامعه ایفاء کرده است . رشد و تکامل دانش بشری نیز تاحدود زیـادی متکی بر ترقی تولید مادی میباشد . باید گفت که در امر تولید ثروتهای مادی سهم ومقام اول متعلق به‌صنایع است و سطح رشد صنعتی یك‌کشور درجهٔ استقلال اقتصادی آنرا نشان میدهد .

باملاحظهٔ حقایقی کـه مختصراً ارائه گردید ، هموطنان ما میتوانند قضاوت نمایند که ریشه‌این‌نظرات‌که افغانستان صرف در طریق رشد زراعتی ویافقط احداث چندموسسهٔ کوچك صنعتی باید گام بگذارد ، از ایجاد موسسات بزرگ تولیـدی احتراز جوید و موادخام معدنی‌خودرا بخارج صادر نماید ، از کجا آب میخورد. شگفت‌انگیزتر اینکه‌زمزمه‌ـ ها اکنون به اظهار نظر روشن‌تبدیل گردیده وبطور برهنه وبا پرروئی پیشنهاد میگردد که مابايد آهن خام خویش را بخارج و آنهم به پاکستان بفروش برسانیم ودر عوض اجناس ساخته شده و منجمله بعضی آلات وماشینهای زراعتی را از آنکشور وارد نمائیم .

ما بارها گفته‌ایم که بنابر نفوذ و سرمایه گذاری وسیع امپریالیستی در دو کشور همسایه ما ایران و پاکستان ، بطور روز افزونـی افغانستان به بازار فروش اموال‌آنها مبدل میگردد. بجای اینکه‌مایهٔ‌خجالت محافل حاکمه ارتجاعی کشورشمرده شود و برآنها اعتراض گردد که‌چرا افغانستان باوجودمنابع‌سرشارطبیعی خویش ، از لحاظ اقتصادی عقب مانده نگهداشته شده و جلو رشد صنعتی آن عمداً گرفته میشود ؟ پیشنهاد هائی از قبیل فروش آهن خام حاجی‌گك به پاکستان ارائـه میگردد .

سوال مهم درینجاست که چرا حکومت افغانستان در احداث‌فابریکه ذوب آهن تعلل بخرچ میدهد واین امر را کاملا مسکوت مانده است ؟ درحالیکه در طی پلان دوم معدن بزرگ آهن حاجی‌گك ، فیصدی‌کافی آهن وذخایر سرشار آن تثبیت شده وطرح اقتصادی آن نیز تنظیم‌گردیده است . دلایل عمده برای این تعلل شاید قلت پول وپرسونل ماهر و بازار محدود داخلی وبهانه‌های دیگر ازینقبیل باشد، ولی‌تجربه‌بسیاری از کشورهای دیگر ثابت کرده است‌که این عوامل مانع ایجاد صنایع آهن وفولاد در کشور نمیگردد ، زیرا طرق‌حل این پرابلم ها طوریکه در نشرات سابق خود مطابق به حقایق وارقام ثابت کرده‌ایم وجود دارد .

در اخیر باید تصریح کرد ، ما درحالیکه به هیچوجه نه تنهامخالف ایجاد صنایع متوسط و خفیف استهلاکی در کشور نیستیم ، بلکه رشد وسیع ، موزون وهمه جانبه آنرا خارج از نفوذ سرمایه‌ هـای غارتگر امپریالیستی ، طبق پلان متمرکز وتحت کنترول ، موازی وهم آهنگ با احداث صنایع سنگیـن میخواهیم وآنرا مفید میدانـیـم و درینمورد قبلا تحلیلات علمی وعمیقی درپرچم ارائه گردیده است . ولی معتقدیم همانطوریکه صنایع‌سنگین‌یا بعبارهٔ‌دیگرصنایع‌اساسی‌تهداب رشد اقتصادی هر کشور را تشکیل‌میدهد وشرط اساسی استقلال اقتصادی‌آن شمرده میشود ، کشورما نیز بدون صنایع اساسی بالنسبهٔ رشد یافته ومتنوع نمیتواند از لحاظ اقتصادی خودرا کاملامستقل بداند . ضرورت ایجاد صدها پروژهٔ عظیم ساختمانی، موسسات بزرگ اقتصادی و صنایع کلیدی که حیثیت مادر وزاینـدهٔ صنایع دیگر را دارد و عامل اساسی برای رشد وسیع زراعتی کشـور شمرده میشود، برپایهٔ بهره برداری ازمنابع طبیعی سرشار و ذیقیمت داخلی ، هم اکنون در افغا نستان موجود است واین ضرورت علی رغم ادعای بلند گویان طبقهٔ‌حاکمه کشور، به هیچوجه منتفی نگردیده است .

لذا استقلال اقتصادی وطن مأستلزم تغییرات عمیق اجتماعی ـ اقتصادی مانند ملی کردن موسسات بزرگ و مهم تولیدی ومالی ، ایجاد صنایع مستقل داخلی ، ملی کردن تجارت خارجی وطرد کامل هرگونه نفوذ اقتصادی و نمایندگی‌ها و سرمایه گذاری های کشورهای امپریالیستی ووابسته میباشد .

(دلومړی مخ پاتې)

## په کابل کی دمی د لومړی...

چه دښار په لویوواټونو وګرځیدلې‌او په هر ځای کی یې میټنګونه دایر اوناوده تقریرونه وکړل ، دافیصله لیك صادر شو .

ـ دکار ګرو دجشن په عنوان‌دمی دورځی د په رسمیت پیژند ل کیدو دپاره خپلو نه ستړی‌نه‌کیدونکومبارزو ته ادامه ور کوو .

ـ تسلیم طلبان ، سازشکاران ،ابن الو قتان ، ما جرا غو ښتونکی ، او دروغی انقلابیګران د تل دپاره له‌خپلو صفونو څخه شړو .

ـ دکار ګرو له طبقی سره په دېرګرو ، کسب ګرو، روشنفکرانو، دمترقی او وطن پالونکو محصلا نـواو زده کوونکو د لا زیات اتحاد او پیوستون دپـاره بـه خپلـو نـه‌شلیدونکو مبا رزو ته دوام ور کړو.

ـ ددمو کراتیکو حقو قواو‌آزادیودتامین په خاطر دفیو دالیزم او امپریالیزم ضد آزادی بښونکی ملی‌او اجتماعی نهضت دسرته رسو لو دپاره خپلو مـ امانه مجا هدو تـه‌دوام ور کوو .

ـ دژوند لـه لګښتونـو سره متناسب د لاس مز دو نو دزیا تولو، دصحی او اجتماعی بیمو دتا مین ،دکار او کار ګردمترقی اودموکراتیك قانون دتدوین،دهیواد دټولوکارګرودصنفی او اجتماعی‌حقو قو د لا س ته راو ړلو ، دکار ګری او صنفی‌اتحادیو دتا سیس دپاره خپلو پرله پسی مبارزو ته دوام ورکوو .

ـ دضد دمو کراتیك تعقیبا تو ،له کار څخه دکارګـرو داخـراج ، دښوونځیو دشاګردانو له زده کړی‌څخه دطردو لو په ضد جداً اعترا ض کوو، له بی‌روز ګارو څخه مـلاتړ اودبیکاری په ضد مبارزه کوو .

ـ دکار ګرو ، دنجات ، غا زی‌اوحبیبی د لیسو دشاګردانو اوو طن پرستو ښوونکو د ژرتر ژره خلاصون غوښتنه کوو .

ـ دویتنام په قهرمان ولس‌باندی‌دامریکی دامپریالیزم یری په کلکه سره محکو موو ،

ـ په منځنی ختیځ کی‌داسرائیلواو دهغو دامپریالستی حا میانو لمسوونکی فعا لیتو نه جداً غندو ،په پای کی دملتو نو تر منځ دسو لی او دوستی داستقرار په خا طر ،دهر ډ ول ظلم او ستم په ضد داستعمار د ټولو شکلونو په ضد ،دټولی نړی دخلکو دملی او اجتماعی نجات دپاره د خپلوپرله پسی مبارزواعلان کوو .

ـ تا وده درو دو نو دافغا نستا ن‌دکار ګرو طبقی ته !

ـ ټینګ دی وی دکار ګرودطبقی‌نه ما تیدونکی یوالی !

ـ بریالی دی وی دافغا نستا ن‌دکار ګرو او ټولو خلکو مقد سه مبارزه ، دسولی ، ملی خپلوا کی،دموکراسی ، اجتماعی تر قی او هوسایی دپاره .

ـ لوړ دی وی د خلك پر چم ،ژوندی دی وی دافغانستان دخلـك دمو کراتیك جریان .

ـ ښاد دی وی‌دمی دلومړی‌ورځی‌جشن ، دنړی دکار ګرو او زیار ایستونکو دپیوستون ور ځ !

از (ص اول)

## قطعنامه تظاهرات جشن اول...

آهنین کارگران سراسر جهان ، روزپیشاهنگان جنبش ملی و مترقـی کشور بعد از آنکه‌با اتحادوپشتیبانی‌بی‌سابقهٔ روشنفکران و محصلان و متعلمان ، اعم از دختران و پسران سر سپر ده و وطنپـرسـت ، پیشه‌وران ، زحمتکشان و اهالـی‌شهرکابل که تعداد آنها به هزاران نفر میر سید ، به تظاهرات ونمایش‌های‌عظیم‌وشانداری‌درجاده‌های شهر پرداختند و دردهها مرکز پر جمعیت‌شهر متینگهای باشکوه و پرحرارتی تشکیل دادند وبیانیه های پرشوری ایرادکردند، قطعنامهٔ‌زیرین‌را صادر مینمایند :

ـ برای به رسمیت شناختن‌روزاول می به عنوان «روز جشن کارگران» کشور ، به مبارزات خستگی ناپذیرخویش ادامه میدهیم ،

ـ تسلیم طلبان ، سازشکاران، ابن‌الوقتان ، ماجرا جویان وانقلابی‌ـ گران دروغین وهمچنان تـفـر قـه‌اندازان و انشعابگران فتنه انگیزرا برای همیشه از صفوف رزمنـدهٔ‌خویش طرد مینمائیم ،

ـ برای اتحاد و همبستگی باز هم‌بیشتر و خلل ناپـذیـر دهقانان ، پیشه‌وران ، روشنفکران ، محصلان‌ومتعلمان ترقیخواه ووطنپرست بـا طبقـهٔ پیشآهنگ کارگـر کشور ،مبارزات پیگیر خودرا دنبال میکنیم،

ـ بخاطر تأمین حقوق و آزادی‌های دمو کراتیك و بسر انجـام رسانیدن جنبش رهایی بخش ملی واجتماعی ضد فئودالیزم وضد امپر‌ـ یالیزم ، نبرد بی امان خویش رادوام‌میدهیم ،

ـ برای بلندبردن سطح‌دستمزدها متناسب به مخارج زندگی ، تأمین بیمه‌های صحی و اجتماعی ، به‌وجود آوردن قانون دموکراتیك و مترقی کار وکارگر وبدست آوردن حقوق‌صنفی و اجتماعی همهٔ‌کارگران‌کشور وایجاد اتحادیه های صنفی وکارگری‌مبارزات پیگیر خویش را تعقیـب مینمائیم ،

ـ علیه تعقیبات ضد دموکراتیك‌واخراج کارگران از کار و طـرد شاگردان مکاتب از تحصیل جـداًاعتراض وبا حمایت از بیـکاران برضد بیکاری مبارزه مینمائیم ،

ـ رهائی هرچه زودتر کارگران‌وشاگردان‌لیسه‌های نجات ، حبیبیه، غازی و معلمین وطنپرست را جداًمطالبه میکنیم ،

ـ تجاوزات امپریالیزم امریکا رابرخلق قهرمان ویتنام شدیداً محکوم مینمائیم ،

ـ فعالیت های تحریك آمیـزاسرائیل و حامیان امپر یالیستـی شانرا در شرق میانه جداً تقبیـح‌میکنیم ،

ودر فرجام بخاطر استقرار صلح‌ودوستی بین ملل و علیه هر نوع ظلم وستم ، تمام اشکال استعمار وبمنظور نجات ملی و اجتماعی‌خلق‌ـ هـای سراسر جـهان دوام مبارزات‌پیگیر وبی امان خـویش را اعـلام میداریم ،

ـ درود گرم به طبقهٔ کارگـرافغانستان !

ـ استوار باد وحدت آهنین‌طبقهٔ‌کارگر !

ـ پیروزباد مبارزهٔ مقدس کا رگران وتمام خلق افغانستان بـرای صلح ، استقلال ملی ، دموکراسی، ترقی ورفاه اجتماعی ،

ـ برافراشته باد پرچم خلق .زنده و پیروز باد جریان دموکراتیك خلق افغانستان این پیش‌آهنگ‌طبقهٔ‌کارگر کشور !

ـ فرخنده باد جشن اول ماه‌می، روز همبستگی کارگران وزحمتکشان جهان .

از (ص اول)

## بادشنام وناسزا...

پارلمانی جریان دموکراتیك خلـق افغانستان ، بخصوص بیانیه هـای مستدل ومنطقی وکیل ببرك (کارمل) به دفاع ازجریدهٔ خلق وهمچنان مقاله «وسایل وراهها»یکه آرمانهای خلقهای ستمدیده‌به افغانستان ومرام دموکراتیك خلق را به پیـروزی میرساند » منتشرهٔ از شمارهٔ (۳) تا (۵) خود جریدهٔ خلق بقلم ببركـ (کارمل) ، به‌اثبات میرساند. چنانچه درقسمت اول این مقاله مندرج در شمارهٔ سوم بقلم‌ببرك (کارمل) چنین ثبت گردیده است : «پیشروان و مبارزان دموکراتیك خلق بعد ازانفاذ فرمان تقنینی مطبوعات تصمیم‌برآن گرفتند تابمنظور بیداری شعـور اجتماعی ونجات خلقـهای مظلوم افغانستان از زیر ستم طبقات و محافل حاکمه و همبستگی محافل مترقی ازجهت تشکیلاتی وایدئولوژی **از طریق تأسیس جریدهٔ سیاسی** برای سراسر افغانستان آغاز بـه فعالیت کنند ...»

در ضمن بحث مفصل مبنی بر ضرورت ایجاد ارگان نشراتی ، لزوم نشر جریدهٔ خلق وفورمولبنـدی وظایف تاریخی آن درپراگراف‌اخیر قسمت اول‌مقاله «وسایل وراهها...» چنین نتیجه گیری شده است : « اجمالا این بود پاسخ منطقی و علمی که **چرا جریدهٔ دموکراتیك‌خلق** برای سراسر افغانستان تاسیس گردید ...»

مامعتقدیم‌که پابرجاترین وثقه‌ترین سند تاریخی ایکه میتواند به این ادعاهای نادرست نویسنده «توضیح مختصر ...» درپیام وجدان پاسخ دهد ، همانا نوشته های اصولی و علمی ببرك (کارمل) در جریدهٔ خلق میباشد که ما صرف به قسمتی ازآن دربالا اشاره کردیم .

درمقالهٔ «توضیح مختصر ...» منتشرهٔ درپیام وجدان بشیوهٔ‌معمول ارتجاع واستعمار از طریق تهدید به «سندی ودیگر اسناد» اشاره گردیده است که گویا به قلم من . چنانکه از طرف نویسنده «توضیح مختصر ...» ادعا گردیده ، نوشته شده باشد . دربنمورد باصراحت باید گفت که اولا چنین «سند» مجرد ، ناقص ، بدون سوابق ، لواحق ، توضیح تاریخ وبدون امضاء ، تائید وتصویب **دسته‌جمعی** وتحلیل وضع قطعاً نمیتواند بقلم من نوشته شده باشد . ثانیا اگر اختلافی میان‌ببرك (کارمل) ونور محمد تره‌کی درزمینه نشر جریده خلق موضوع بحث شده بتواند ، بعد از توقیف جریدهٔ خلق وتفتین ارتجاع میباشد که امکانات احیای مجدد و فوری جریدهٔ خلق را ازمیان‌برده بود. ببرك (کارمل)علاوه بردفاع جدی از جریدهٔ توقیف‌شدهٔ خلق ، مجاهده برای نشر جریدهٔ دیگری را بمثابه ارگان‌نشراتی‌جریان دموکراتیك خلق مصرانه پیشنهاد مینمود . اما آقای نور محمد تره‌کی بنابر ملحوظات بخصوص خودشان دربرابر تاسیس ارگان‌نشراتی‌جدید جریان دموکراتیك خلق حساسیت نشان میداد و بآن جداً مخالفـت میورزید .

اینست موضوع مورد اختلافیکه ما آنرا تایید میکنیم ، نه آنطوریکه نویسنده « توضیح مختصر ... » منتشرهٔ درپیام وجدان حقیقت را تحریف‌کرده است .

درمورد تدوین مرام نجات بخش دموکراتیك خلق افغانستان ( بادر نظرداشتن موازیـن اصولـی ) عجالتاً تنها اینقدر خـاطر نشان می‌گردد که بصورت قطـع طرح اصلی ونهائی مرام دموکراتیك خلق ازطرف ښاغلی نورمحمد تره‌کـی تدوین نگردیده است . مرام دموـ کراتیك خلق منتشرهٔ درشمارهٔ اول ودوم‌جریدهٔ خلق در اثرکار وتصویب **دستجمعی** مقام مسوول وباصلاحیت بوجود آمده است ومـرام مشترك جریان دموکراتیك خلق افغانستان‌و تمام عناصر و گروهائیست که بآن اعتقاد دارند .

همچنان مطالبی دور از حقیقت و انصاف واخلاق مبارزهٔ مترقی‌به‌مدیر مسوول جریدهٔ توقیف شـدهٔ خلق ازطرف‌نویسنده «توضیح‌مختصر...» نسبت داده شده است که منجمله گویا مدیر مسوول باقبول مسوولیت مدیریت‌جریده‌خلق «نفع‌مادی زیادی» برده و یکسال معاش از حساب‌خلق اخذ کرده است . واقعیت امراینست که مدیر مسوول از آنجائیکه بطور فداکارانه وحرفه‌ای کار میکرد، مدتی جریان دموکراتیك خلق افغانستان برای حد اقل امرار معیشت او و خانواده‌اش معاش پرداخته است که این امر باعث افتخار او میباشد و اینکه ښاغلی نویسنده «توضیـح مختصر ...» منتشرهٔ درپیام وجدان انرا نادرست وانمود میکند ، پس چنین توجیهی بیشتر متوجه آقای «صاحب امتیاز» میگردد که از محل معاشهای فراکسیون پارلمانی‌دموـ کراتیك خلق برای مدتی بمراتب طولانی‌تر بمقادیر بیشترمعاش‌گرفته است .

اینموضوع راکه در «توضیـح مختصر ...» منتشره در پیام وجدان خارج از چوکات اصول مترقی‌اتهام زده میشودکه مدیر مسوول «تجارت سیاسی »مینماید و... میگذاریم به قضاوت سلیم هموطنان و بخصوص اهل خبره که بیوگرافی و حیات‌عملی مدیر مسوول و «صاحب امتیاز» جریدهٔ خلق را مطالعه نمایند که کی اپورتونیست بوده و هست و کدام یك ازآنها در حیات سیاسی خویش تجارت‌سیاسی‌کرده‌اند ؟! اینموضوع آنقدر روشن است که ما ضرورت به‌تشریح بیوگرافی ها نداریـم و نمیخواهیم در انحراف خرده کاری‌ـ های کودکانه بلغزیم ودشنام و نا ـ سزا را با دشنام وناسزا پاسخ‌دهیم.



# فریاد اعتراض اهالی ایکه
## منازل‌شان درمسیر سالنگ‌واټ تخریب میشود

خانه های مسکونی وزمینهای‌زراعتی ماکه غیر از آن سرپنا هی‌ووسیله ئی برای‌ادامهٔ زندگی‌وتامین معاش نداریم ، در مسیر سالنگ‌واټ که از جادهٔ محمد جانخان‌آغاز وحصهٔ اول آن به باغ عمومی زنانه واقع‌پروان مینه منتهی میشود،واقع گردیده و بنابر تصمیم فوری‌وعجولانه ښاروالی کابل زیرتخریب گرفته شده است . ما با احداث‌جاده های عصری وسرکهای مدرنی‌که بتواند مناطق مختلف شهر رابهم وصل کند ودر استقرار روابط مدنی‌بین همشهریان عزیز مؤثر با شد‌نه تنها مخالفت نداریم ، بلکه آنرااز ضروریات زندگی شهری در قلب‌کشور عزیز خویش میدانیم، ولی‌آنچه مارا به ابراز عکس العمل اعتراض آمیز درین زمینه وادارمی سازد اینست که اولاپلان‌اساسی‌ایکه درین قسمت طرح وتثبیت شده عملی نگردیده و بحسب تمایل چندنفر سرمایه دار صاحب قدرت‌ونفوذاز چندین جا وخلاف نقشه از مسیر اصلی انحراف‌داده شده است‌وهنوزهم خط سیر واقعی آن تثبیت‌نگردیده، ثانیاً قبل از تثبیت نهائی خط سیر جاده و قناعت صاحبان‌زمین ها وخانه های قابل تخریب‌به بر آورد ښاروالی وهمچنان قبل از تثبیت قیمتها وقبولی اهالی‌وتادیه آن به‌صاحبان منازل و زمین‌های مذکور ویا اخذ قباله و دادن سر پناهی بجای آن برای اهالی بی سرپناه ، به تخریب آن آغاز کرده اند و عجیبتر اینکه بانشر اخبار دروغین در رادیو ومطبوعات دولت با پر روئی اعلان نمودند که مردم موافقه کرده وپول پیشکی هم گرفته اند . ثالثاً باید تو ضیح کرد که ما اهالی بیدفاع این‌منطقه نه‌تنها پول پیشکی نگرفته ایم ، بلکه بقیمت گذاری ظالمانهٔ ښاروالی نیز قناعت نداریم ، زیرا قیمتی را که بزمینهای ما قایل شده اند فی متر پنجاه تا دو صد افغانی است ، درحالیکه خود ښاروالی همین‌زمینها را بعنوان اضافات دو طرفه سرك‌در معرض داوطلبی گذاشته و بقیمت فی متر (۱۱۷۰۰) افغانی حاضر بفروش نمیباشند . معهذا ای کا ش تنها ښاروالی کابل بتواند از ین پول سرشار بنفع خدمات عامه استفاده‌کند، بلکه‌این‌زمینه‌دیگریست برای ارباب سرمایه وصاحبا ن‌نفوذ تا آنرا از دستی بد ستی تحویل دهند وبقیمت فقر ودر بدری‌صاحبان اصلی آن به حجم سرما یه ها ی بیحساب خویش بیفزایند وبدین‌ـ ترتیب فقیر را فقیر تر وثروتمند را ثروتمند تر سازند .

ظالمانه تر اینکه ښاروالی کا بل زمینهای مارا در نفس شـهر و در بهترین موقعیت فی متر (۵۰)افغانی قیمت گذاری میکند واما آنچه در عوض آن بما عنایت (!) میفرماید، زمینهای خشك ، بیابانی ، فاقدآب وبرق وامنیت ودور از شهر کو تل خیر خانه است که فی متر (یکصد) افغانی بر آن قیمت‌گذاشته اند .

این بود عرض حال ما به جریدهٔ پرچم. اگربا اینهم‌بحال مانپردازند، آنگاه مجبوریم بعنوان اعتراض علیه این روش غیر عادلانه ښاروالـی کابل در ملاء عام ودر برابر عمار ت کابل ښاروالی‌خیمه زنیم وزن‌وفرزند آوارهٔ خودرا به آنجا انتقال دهیم .

**(محل امضای عده‌ئی از اهالی)**

# کار گران هوتل بین المللی
## بیرحمانه استثمار میشوند

هو تل بین‌المللی که به «کمك»سر ما یه‌گذاری استثمار گران انگلیس اعمار میگردد ، اکثریت قاطع کار فرما یان و کار مندان آن‌ازاتباع انگلستان می با شند. رفتارخشن‌وتوهین آمیز کار فرمایان‌هوتل بین‌المللی دربرابر کار گران نجیب‌و زحمت کش کشورما قابل اعتراض‌شدید و باز خواست است .

سر پرستان خارجی‌کارهوتل بین‌المللی، با حرص روز افزون، ببهانه اینکه تعمیر هوتل‌باید تا ایام جشن استقلال سال ۴۸ کشور،طبق پلان (!) تکمیل گردد، صدهانفر کارگر افغانی را روزانه (۱۱) ساعت استثمار می نمایند و دربرابراینکار فقط مبلغ (۳۰) افغانی‌اجوره‌میدهند،درحالیکه‌این رقم‌نظربه‌مزد کار گران عادی تعمیرات کابل ، حتی نظربساعات کار موسم تابستان هم‌ناچیز است .

کار گران وطن در برابر این‌همه‌رنج و تکالیف هیچگونه مصونیت‌قانونی ندارند . هر گاه درائر کار پر مشقت یکی‌از کار گران مریض‌شود ویا اینکه ادعای‌مزد بیشتر کند‌فوراً از کار اخراج می گردد.

کار گران مجبور استند ازمحل سکونت تامحل کار وازآنجا‌بمحل سکونت پیاده رفت و آمد نمایند ویا اینکه چندافغانی از مزدناچیز خود رابمصرف کرایهٔ‌سرویس های شهری بدهند، درحالیکه تامین و سایل ترانسپورتی برای حمل ونقل کار گران بعهده کارفرما یان هوتل می باشد .

بهره کشی ، سودجوئی‌واستثمار که خصلت‌ذاتی استعمار است ، بصورت مشهود دررواط غیرعادلانه بین کار فرمایان خارجی‌وکارگران داخلی هوتل بین‌المللی بمشاهده میرسد.

کار فرما یان هو تل بین‌المللی‌که درکسب‌سود بیشتروواستثمارشدیدـ تر تخصص دارند ، ازهر امکان ووسیله استفاده می‌نمایند تا کار ـ گران افغانی را‌وادار سازندبهرنوع استخدام غیر عادلانه تن در دهند. چنانچه‌دراوایل ماه حوت عدهٔ زیادی از کار گران جدید با شرایط غیر عادلانه درهوتل بین‌المللی‌استخدام گردیدند. زیرا کار فرما یان هو تل میدانستند که‌ماه حوت موسم‌بیکاری می‌باشد وتقاضای دریافت کار در اردوی ذخیره بیکاران افغانستان قوس صعودی خود را می پیماید واز اینرو کارگران‌بیکارباقبول هرنوع شرائط ظالمانه حاضر میگردند ، تا بدین ترتیب سود بیشتری بجیب انحصار گران کمپنی های خارجی بریزد ،مقامات‌مسوول حکومات باوصف اینکه‌ازشرائط‌غیرـ عادلانهٔ کاردرهوتل بین‌المللی‌اطلاع دارند ، نه تنها کو چکترین اقدام درزمینه بهبود شرائط کار کار ـ گران نکرده، بلکه دست چپاول وغارتگری انحصارات خارجی را دراستثمار بیرحمانه کار گران افغانی همچنان آزاد گذاشته اند.

اینست نمونه‌ئی‌از عدالت، مساوات ودموکراسی ونتائجی که‌از سرمایه گذاری خارجی برای خلق‌ستمدیده کشورمادست میدهد .

# دردها، شکایتها واعتراضات خلق

## فریاد مردم ولایت نیمروز ازطغیان آبهای بی اجام وبی اعتنائی مسئولان امور

ولایت نیمروزکه به شهادت اکثر مورخان بزرگ داخلی وخارجی در باستان زمان یکی از مراکز باشکوه مدنیت شرق بوده وامروزه گذشته پرجلال آن‌ازمفاخر تاریخ‌افغانستان عزیز بشمار میرود ، بسوی ویرانی میگرایدوهمه‌سالهٔ در موسوم‌بارانی، آنگاه که رو دهلند طغیانی میشو د قسمتی از زمینهای مستعد آنرا که یگانه منبع تأمین معاش دهاقین بی پناه آنجاست، بکام خو یش فر و میبرد، چنانکه‌درظرف‌بیست‌سل‌گذشته در حدود دو صدو بیست وپنجهزار جریب زمین مزروعی در حواشی هامون نیمروز زیر آب گردیده وبه جای گندم نی ودر عوض حاصل بشـه های مرکزی‌ملاریا ببارمیاورد ودهاقین آوارهٔ آن سالهاست بافقر وگرسنگی دست وگریبانند .

درین روز ها باز زمینهای زراعتی ولسوالی کنگ مربوط این‌ولایت‌را آب فراگرفته وکشتی های اهالی مصیبت رسیده این سامان را بیادفنا داده است ،ولی از چوکی نشینا ن دستگاه اداری هیچکسی نیست که بکمك‌مردم بشتابد وجلواین مصیبت همیشگی را بگیرد .

تنها کمك بزرگی (!) که با ین مردم ستمکشیده میشود وبا حروف درشت در صفحات جراید رسمی دولت با آب وتاب خاصی انعکاس می یابد، همانا خبرامداد (!) افغانی سره میاشت است که در چنین‌مواقع برای هر خانواده‌به چند قطی‌گوگرد، چند مثقال چای ، چند متر تکه نساجی وچند سیر ناچیز آردخلاصه میشود .

مردم میپرسند:آیا چارهٔ‌اساسی این مصیبت عظیم که همه ساله بر خلق ناتوان ولایت نمیروز نازل میشود همین است ؟

اهالی نیمروز نسبت باین سهل انگاری عمال دستگاه حاکمه در مورد این مسأله حیاتی‌خویش جداًاعتراض میکنند وخواستار آنند تا هر چه زود تر جلو این بی اعتنائیها نسبت بزندگی مردم گرفته شود .

**عبدالحمید(شریفی) ازولایت نیمروز**

## شاگردان لیسه حبیبیه برپروژهٔ تجربوی اعتراض مینمایند

جریدهٔ نیرو مند پرچم خلـق افغا نستان !

از آنجا ئیکه این جریده را تنها انعکاس دهندهٔ دردهای واقعی‌خویش میدانیم، خوا ستیم تا این اعتراض نامه‌را برای نشر در آن تقدیم‌کنیم :

بر طبق این گفتهٔ مشهور کـه «استعمار اگراز دروازه خا رج شود، از کلکین دو باره داخل میگردد » اکنون استعمار فرهنگی به بهانه ها وطرق گونا گونی در معارف کشور نفوذمی نماید . یکی‌از پدیده ها ی آن پروژه ریاضیات‌مؤسسهٔ تعلیم وتربیه‌پوهنتون کابل‌است‌که‌مستقیماً از طرف مشاورین ومعلمین امریکایی طرح ریزی شده است . باو صف اینکه این پروژه تجربوی به هیچ وجه نتوانست مفید یت خود راعملا در لیسه حبیبیه ثابت نماید ، ولی بر طبق آن هنوز «تجربه »ادامه دارد و صنوف دهم ویازدهم لیسه به تخته مشق برای چنین «تجربه‌ئی» مبدل گردیده اند .

نواقص عمدهٔ این «پروژهٔ‌تجربوی» اینهاست:

ـ مفردات پرو گرام تجربوی‌با پرو گرامهای تعلیمی صنوف‌پایانتر از صنف‌دهم بی ارتباط می‌باشد ؛

ـ قسمت‌ها ئی ازپرو گرام خیلی بسیط است که حتی متعلم از مطالعهٔ آن‌ دلسرد میشود وقسمت ها ی دیگری از آن بسیار مشکل میبا شد که برای هیچ شاگرد قا بل فهم نیست ؛

ـ در پرو ژه ریا ضیات مضمو ن فزیك که خیلی اهمیت دارد شا مل نمی با شد ؛

ـسه‌مضمو ن تحت‌پروژه‌هندسه، الجبر، مثلثات در حا لیکه مضا مین جدا گانه اند ،تحت یك مضمو ن واحد تد ریس میگر دند که‌این امر زمینه را برا ی تنبلی شاگردان‌فراهم می‌آورد؛

ـ نا مر بو طیت‌جملات،غلطی‌های انشائی ، املائی وطباعتی کـتابهای تد ریسی به حدی فراوا ن است‌که نمی توا ن آ نها را مورد استفا د ه قرار داد. بنابر آن ما متعلمین‌صنوف دهم ویا زد هم لیسه حبیبیه خواستار الغای این« پرو ژه تجر بـو ی » می با شیم .

**( امضای تعد ادی ا ز شا گر دان صنوف دهم ویا زدهم لیسه حبیبیه)**

(بقیه ص۱)

## شانتاژ وسند...

ساختگی، دستنویسها، مونتاژعکسها، خط ها وامضا های‌جعلی شخصیت‌ـ های‌ملی‌ومترقی‌رابمنظوربدنام‌ساختن آنها و ایجاد سوء تفاهم در داخل جمعیتها ، احزاب و دسته بندی‌های سیاسی ، توأم باتبلیغات زهرآگین پخش وتوزیع می‌نمایند .

جریان دموکراتیك خلق‌افغانستان از آغاز کار خود تاکنون بایکنوع شانتاژ سیاسی از طرف این عناصر وارباباب آنها مواجه می‌باشد . آنها بغرض تبرئهٔ گناهان خود ، بمنظور پرده انداختن بروی ارتباطات خود وبالاخره بخاطر «تثبیت» خود ازهیچ عملی علیه جریان ما در ، جریانیکه آنها را در آغوش خود پرورانیده و غسل تعمید وپاکی داده ، ابا نمی ـ ورزند . آنها برای بدنام و بی ـ اعتبار ساختن جریان د مو کراتیك خلق افغانستان ، پرچم‌خلق‌ومبارزان دموکراتیك خلق ، از خود جریان «خلق» میکنند . آنها بدون توجه بفردا ، فردائیکه حتـماً آمد نیست ، بدون اعتنا به مسؤولیتهائیـکه در برابر جریان ، نهضت و مـردم افغانستان دارند ، صرف بـرای «تثبیت» نام خود باهرکس و حتی راست ترین آشیانهٔ ارتجاع ، کنار می‌آیند و ازهر جا صدا میکشند . آنها حاضرند برای نام کشیدن و تثبیت شدن خود بحیث «جـریان» همه چیز را بپذیرند و هم هیچ‌چیز راناپذیرند ، بهرعمل انحرافی دست زنند و هیچ عمل اصولی نکنند . اینست وضع اسف انگیز ایـن «رفقای» نیمه راه ! وضعی که به‌هیچ کس به اندازهٔ خود آنها مضرنیست، وضعی که به هیچ‌کس جز ارتجاع و امپریالیزم سودی ندارد .

جریان دموکراتیك‌خلق افغانستان براساس جهان بینی علمی خـود از واقعیتها انکار نمی کند . همان‌ـ طوریکه جمعیت د مو کراتیك خلق افغانستان یك حقیقت مسلم و یك واقعیت انکار ناپذیر است ، ازوجود جمعیتها ، گروهها و دسته هـای ملی و مترقی دیگر کشور نیـز نمیتوان‌چشم‌پوشید، آنهاهم‌واقعیت‌ اند و هریك از آنها باساس درك خود ازمنافع ملی ومردم، مطابـق به جهان بینی خویش‌مبارزه میکنند. انکار از واقعیتـها ، کینه توزی و بلند پروازی هیچ مشکلی راحـل نمیکند . وظیفهٔ اساسی اینست که چگونه باوجود اختلافات موجود که در حدود طبیعی خود موجـود می‌باشد، وجوه مشترك بین گروهها وجمعیتها و سازمانهای ملی ومترقی جستجو گردد ، نه اینکه بواسطهٔ کشیدن مرزهای جدید، این‌اختلافات هرچه بیشتر دامن زده شود وتشدید گردد .

جریان دموکراتیك‌خلق افغانستان درمبارزات اجتماعی انحصار طلب نیست و همیشه مبارزات وطن ـ پرستانهٔ جریانات سیاسی دیگر وشخصیتهای ملی را تمجیدمینماید. ولی بکمال تأسف می‌بینیم که سند ـ سازان و سند کشان ما مصرانه و لجوجانه ، بجای اینکه در اندیشهٔ تصحیح اشتباهات خود وجستجوی وجوه مشترك باشند، موارد مابه ـ الاختلاف را بزرگ و بزرگتر جلوه میدهند ، دسیسه وشانتاژ میکنند واختلافات‌تازه‌ئی بوجود می آورند. آنها با این عمل خود در راه اتحاد ووحدت مجدد و همچنان اتحاد کلیه نیروهای ضد استبداد و ضدارتجاع وامپریالیزم سنگ می‌اندازند و بر موانع موجود، موانع‌جدیدی‌می‌افزایند وحاضر نیستند اختلافات مو جوددر بین خودرا از طریق‌مفاهمه ومذاکره، درچوکات اصول حل و فصل نمایند وخطرات ناشی از اختلافات موجود را رفع کنند و از آبیکه در آسیاب دیگران می ریزد ، جلو گیری بعمل آورند .

در فرجام یك باردیگر بصراحت اعلام میداریم که جریان دموکراتیك خلق افغانستان درحالیکه حاضر است بخاطر رنجهای عظیم خلق کشور ، بوضع فعلی در داخل‌اصول خاتمه دهد ودرین راه از هیچنوع گذشت اصولی و فداکاری دریـغ نکنند ، در عین زمان به جعـل کنندگان اسناد ، دروغ بافان‌خلقی‌ـ نماها و کلیه‌نیروهائیکه‌راه‌خصومت، شانتاژ وآشتی ناپذیری را باجریان دموکراتیك خلق افغانستان درپیش گرفته‌اند ، خاطر نشان میکند که مایك وجب وحتی یك سانتی هم از موضع اصولی خود، از راهیکه در پیش گرفته‌ایم ، منحرف‌نخواهیم‌شد وبهیچنوع معامله گری سیاسی تن‌ـ درنخواهیم داد و پرنسیپ فروشی نخواهیم کرد و بطور پیگیر در راه اهداف ملی ومترقی خود ، در راه افشای ماهیت حقیقی دشمنان خلق ونهضت و منحرفین راست و چپ وخلقیهای دروغین‌وساخته وپرداخته ارتجاع وامپریالیزم مبارزه خواهیم کرد و هرگاه تهدید کنندگان و شانتاژ کنندگان وسند سازان بیش ازین برما جدل علنی رااتحمیل‌کنند، علیه آنها در چوکات منطق وحساب دلیرانه مبارزه خواهیم کرد و در آنصورت عواقب ناشی از آن بعهدهٔ خلقی نماها خواهد بود و حقایق تاریخ آنان را محکوم خواهد کرد .

از(ص‌اول)

## تظاهرات عظیم وشکوهمند...

آنچه درین‌تظاهرات و نمایش‌های بیسابقه بعنوان طلیعهٔ درخشانی از آیندهٔ پیروزمند نهضت رهائی بخش ملی و اجتماعی کشور به رهبری‌طبقهٔ عصر آفرین کارگر قابل همه گونه تقدیر وستایش است ، درك رسالت تاریخی طبقهٔ‌کارگر افغانستان‌بحیث پیشآ هنگ جنبش از طـر ف قشر ها ی مختلف و طنپر ست کشور ، بـخصوص روشنفکران و محصلان وایجاد همبستگی‌خلل‌ناپذیر بین‌آنها در استقبال از جشن جهانی کارگران و حمایت از حقوق آنها و همچنان حفظ نظم و انتظام درجریان مظاهرات ، طرد و تجرید ماجرا جویان واخلالگران درین نهضـت کارگری میباشد .

**یاد داشت :** متن دری و پشتوی قطعنامه این مظاهرات درین شماره تقدیم شده‌است.